

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۴۲۱

دانشگاه کهنه کتب  
دارنده ادب و علم است

گروه هنر

موضوع

چگونگی فرایند زینت اسرار محرابی

پروژه

مجموعه اسرار محرابی

ارتقاء

گروه هنر و تفریح

ارتقاء

گروه هنر و تفریح

زینت

۱۴۲۸۳۱

۴۳- هنیلز، جان، شناخت اساطیر ایران، ترجمه اله آموزگار، احمد تفضلی، چشمه تهران

۱۳۸۶

## مقالات :

۱- فتح الله مجتبابی، سهروردی و فرهنگ ایران باستان، اشراق ۵۴

۲- بابک عالیخانی، سهروردی و توامان، اشراق ۵۴

۳- بابک عالیخانی، مالک سبعة، در حکمه الاشراق سهروردی، جاویدان خرد، بهار ۱۳۸۸

۴- بابک عالیخانی، سهروردی و مهرایزد، سایت مجد وبال تور

سپه سال

در روز یکشنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۸

ذات معینه ازین نامه آقای محمدنور آموز با عنوان  
«جایگاه فرآیند یادگیری در نظام آموزشی کشور»

مؤلف: اساتیدت درودادور در اختیار رئیس

مجلس عالی تعلیم و تربیت

در تاریخ ۱۸/۲/۸۸

ن.ح

ع.ا

و.ا

و.ا

و.ا

۱	..... مقدمه
۹	..... فصل اول : سیر تحول مفهوم فر در فرهنگ سیاسی ایران تا دوران سهروردی
۱۱	..... فر در فرهنگ ، اساطیر و آیینهای ایرانی پیش از اسلام
۱۹	..... فر در آیین زرتشت به روایت بعضی متون
۲۶	..... نقش مفهوم فر در سنت و اندیشه سیاسی دوران اسلامی
۳۴	..... فصل دوم : بیان خلاصه ای از آراء سهروردی
۳۹	..... هستی شناسی سهروردی
۴۱	..... قاعده امکان اشرف
۴۲	..... برزخ : کیفیت صدور واقسام آن
۴۴	..... وجود و ماهیت
۴۶	..... فرشته شناسی سهروردی
۵۲	..... سهروردی و حکمت خسروانی
۶۱	..... سیاست <del>فر</del> سهروردی
۶۵	..... سهروردی و عرفان
۶۸	..... فصل سوم : چپستی فر در تعبیر سهروردی
۶۹	..... توصیف سهروردی از فر
۸۲	..... فر عامل قوام بخشی هستی معنوی انسان
۹۶	..... فصل چهارم : نسبت مفهوم فر با دیدگاه شیعی - ایرانی
۹۷	..... فر و عصمت

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی  
تاسیس ۱۳۰۲

۱۳۸۹ / ۱ / ۲۲

۹۹	روح اقدس - جبرئیل - سروش ( فریو سنگ )
۱۰۳	فر به دست آوردنی است
۱۰۹	تفاوت فرمانروایی فرهمند با چیرگی ( تقلب )
۱۱۵	کلام آخر
۱۱۶	توضیحات
۱۳۰	کتاب شناسی و منابع
۱۳۴	مقالات

سنت فکری مشهور به « فلسفه اسلامی » در روزگار ما ، دوره حساسی از تاریخ خود را می گذراند. چرا که پیچیدگی های دوران جدید و زندگی بشر به عنوان خالق فلسفه - که همواره پرسشهای او مایه حرکت و پویایی آن بوده است- هر روز چهره و معنای تازه ای می یابد و مسائل جدیدی را پیش روی ذهن ژرفکاو انسان می نهد. حال به فراخور غنای سنتها و سرمایه های فکری و شرایط تاریخی و جغرافیایی هر قوم ، پاسخ یا بهتر بگوییم نحوه مواجهه با پرسشهای تازه از سوی آن مردم است که سرنوشت ایشان را رقم می زند.

از این روست که جوامع در طول دوران، رو به ضعف و زوال یا تعالی و پیشرفت می نهند و « چگونه زیستن » ایشان در نسبت با پویایی اندیشه ها و امید به اینکه می توانند خود را از تند باد بحران ها برهانند ، شکل می گیرد. در قرون اسلامی و ایران پس از اسلام ، تلاش ایرانیان در زمینه فرهنگی و آیینی زمانه شان به تأسیس سنت فکری و تمدنی انجامید که بخش قابل توجهی از دانش ، فرهنگ ، هنر و عرفان اسلامی را در بر می گیرد . « فلسفه اسلامی » حاصل دغدغه های فکری فیلسوفان مسلمان در سده های پس از اسلام است که بی توجه به تحولات تاریخی و سیاسی دوران ایشان قابل درک نیست. « فلسفه یونان » نیز در آغاز واکنش سقراط و افلاطون به بحرانهای سیاسی و اجتماعی دوران خود بوده است. تا جایی که متفکران عرصه فلسفه قدرت اندیشه خود را فرو نگذارند و فلسفه را در ارتباط با تأمل در مسائل مبتلا به روزگار خود درک نمایند ، پویایی و حیات سنت های فکری و فلسفی تضمین می گردد.

فلسفه اسلامی ، از این منظر برای نگارنده این رساله در خور اهمیت و توجه است. هرچند در محیط دانشگاهی ایران و فضای حاکم بر دانشجویان فلسفه همچنان گرایش و علاقه به فلسفه و بیشتر فلاسفه غرب پر فروغ تر است و نگارنده نیز بخش قابل توجهی از عمر دانشجویی خود در این جرگه می گنجید ، اما اکنون بر این باور است که پویایی فلسفه و دمیدن روح زندگی در اندیشه جامعه ایران ، جز با عمارت بناهای تازه بر بن بنای

کهن فلسفه اسلامی - به مثابه سنت فکری که هزارسال با فراز و نشیب های خود در این آب و خاک حیات داشته-میسر نیست .

این نگرش را به « سنت گرایی» یا هرنام دیگری تعبیر نماییم ، تلاش فکری ناچیزی که حاصل آن به نگارش رساله انجامید ، محصول همین نگرش است . در اینجا برای روشن تر شدن زاویه دید ، ذکر دو نکته را ضروری می بینم:

۱- بیان کلیات آراء فیلسوفان اسلامی ، هرچند دست کم در قالب مجموعه های تاریخ فلسفه ، ضروری است اما به تنهایی گره از کار ما نمی گشاید و در عرصه پژوهش ، نیازمند فراتر رفتن از کلی گویی و خلاصه نویسی از گفتار این فیلسوفان و تمرکز بر موضوعات عینی و قابل درک در بطن زندگی هستیم .

۲- فلسفه اسلامی باید از حالت موزه ای که امروزه در محیط های پژوهشی و دانشگاهی تا حدی بدان مبتلاست ، رها شده و جسورانه در برابر پرسشهایی از جنس زمان قرار گیرد، تا از این رهگذر ابعادی از آن که شوربختانه - عمدتاً یا سهواً - مغفول مانده اند ، احیا گردد. اگرچه در دوران کنونی این احساس نیاز در شماری از اهل پژوهش و دانشگاهیان ، دیده می شود که نوید دوران تازه ای از حیات این سنت فکری را می دهد .

اما در باب انگیزه انتخاب موضوع و اینکه چه شد که این موضوع را از میان ده ها موضوع دیگر برگزیدیم ؟ در میان فصول رساله خواهیم دید که مفهوم « فر» ، چنانکه از آراء سهروردی می توان برداشت نمود ، در فلسفه اسلامی ، نقطه پیوندی است میان دیدگاه فلسفه سیاسی ، عرفان و اندیشه ایران باستان . این هر سه از علائق فکری و ذوقی نگارنده در حیات دانش پژوهی اش بوده اند. ابتدا آشنایی با بعضی آثار و تفاسیر «هانری کربن» ، پیرامون حکمت اشراق ، «فر» را به عنوان موضوعی جامع همه این علائق در نظرم جلوه داد که هر چه مراحل بیشتری از نگارش و تحقیق طی گردید، بر صحت آن استوار تر شدم.



از دیگر سو این مفهوم، در حول خود پرسشها و مفاهیمی را در بر می‌گرفت که در فلسفه سیاسی امروز نیز می‌توانند زنده و پویا باشند؛ همچون مفهوم مشروعیت، اخلاق در سیاست، حق سیاسی، اعمال حاکمیت و... که هرچند مستقیماً در این رساله مطرح نمی‌گردند اما دریچه‌ای به طرح پرسشهای مرتبط گشوده می‌شود. پیش از توضیح کلی در ارتباط با ساختار و فرضیه مطرح شده در رساله، در ارتباط با روش و محتوای آن نکاتی قابل اشاره اند:

۱- با توجه به جنس موضوع که به اثرپذیری سهروردی از اندیشه ایران باستان باز می‌گردد، خواه ناخواه روح تاریخی بر روش پژوهش سایه خواهد افکند (بویژه در فصل نخست) و زمینه و عقلانیت تاریخی زمانه سهروردی اهمیت می‌یابد. چرا که فوراً، موضوعی بین‌الذهانی در اندیشه و فرهنگ ایرانی است که در همه مراحل تاریخی ما حیات جدی داشته است. لذا نگارنده بر آن است که دیدگاه تاریخی از منظر اندیشه‌ها می‌تواند در وصول بهتر به مطلوب کارساز باشد. از دیگر سو دیدگاه هانری کزبن - که بالطبع پدیدار شناختی است - خواه ناخواه بر پژوهشهای مربوط به حکمت اشراق سایه افکنده است، لذا دست کم تا جایی که در چهارچوب این پژوهشها به موضوع می‌نگریم اثر مستقیم یا غیر مستقیم خود را بر نتایج بررسی‌ها خواهد داشت.

- با گذشت هر چه بیشتر مراحل کار معلوم شد که موضوع مورد نظر به خودی خود چندان هم محدود و کوچک نیست و مسلماً چاره‌ای جز تقلیل آن در یک حوزه - مانند فلسفه سیاسی - نمی‌ماند؛ چرا که نگارنده معتقد است بسیاری از پژوهشهای حوزه فلسفه اسلامی، به دلایلی که جای طرح آن نیست، در بیان کلیات و تکرار مکررات راه افراط طی می‌کنند. لذا تلاش دارم به سهم خود از این آفت در امان بمانم. در ابتدای پژوهش بر آن بودم تا آنجا که مقدور است بیشتر با استناد به متون سهروردی و آثار مفسرین و پژوهندگان قدیم و جدید وی جنبه «گزارشی» و «توصیفی» رساله را برجسته سازم و به نحو حد اقلی به تحلیل شخصی بپردازم. اما در پی راهنمایی و توصیه استاد ارجمند جناب آقای دکتر حکمت، جرأت بیشتری در

تجزیه و تحلیل موضوع و ارائه بعضی برداشتها از آراء و گفتار سهروردی در این باره یافتیم. هر چند در اینجا ذکر این نکته اساسی ضروری است که تمام آنچه به عنوان تحلیل شخصی از اندیشه فیلسوف مطرح گشته است، در حد رساله پایان نامه کارشناسی ارشد و پیشنهاد فرضیه و مقدمه طرح پرسشهای نو است که نگارنده در حد مطالعات و بضاعت علمی خود بیان نموده و باید در بوته نقد و بررسی قرار گیرد تا به نقطه ای در خور ارزش علمی بیشتر و در شأن سهروردی قرار گیرد و امید است اهل نظر نیز با این دید در آن ننگرند.

اما خلاصه ای از آنچه تلاش می کنیم در باره « جایگاه فر کیانی نزد سهروردی » آشکار نماییم:

مفهوم فر نزد سهروردی، مفهومی است که وی در تأثیر از حکمت خسروانی، یعنی اندیشه ایرانیان باستان ملهم از آئین زرتشت، بدان پرداخته است و این تأثیر پذیری نیز بر گرفته از نگرش وحدت گرایانه او در مفهوم معرفت و شهود و دیدگاه « جاودان خرد » است. (ن ک عالیخانی - سهروردی و مهر ایزد، مجله اشراق ۴ و ۵) یعنی او سر چشمه معارف و معنویت را در اسلام، آئین زرتشت، یونان و سایر نحله ها یک حقیقت واحد می داند و با ژرف کاوی خاص خود، چنین حقیقتی را از پس گفتار، مناسک و آراء همه منادیان و پیروان این آئینها، از پیامبر اسلام گرفته تا افلاطون و از زرتشت تا بایزید و حلاج، می نگرد و تفاوتی در روح حاکم بر آنها نمی بیند. لذا تمام معارف و مفاهیمی که به نحو جزئی در این جریانهای معنوی مطرح می گردند، در نگاه سهروردی پیوندی در باطن خود دارند؛ از جمله مفهوم «فر» که به نحو توأمان بار «عرفانی - معنوی» و «سیاسی» دارد. در این رساله تلاش می شود با بررسی سرنوشت تاریخی این مفهوم (فصل ۱) نخست میزان نزدیکی قرائت سهروردی از معنای «فر» با گفتار پارسیان باستان، دریافته شود و سپس چگونگی ایجاد و دریافت این نیروی اهورایی در انسان - که در ساز و کاری عرفانی دست می دهد - و تأثیر آن در بینش و منش فرد، از منظر فیلسوف بیان گردد.

همچنین این مفهوم چنانکه نزد اسلاف ایرانی سهروردی (فهلویون) چنین بود، بار هستی شناختی دارد و در جهان بینی «شیعی - ایرانی» نقش اساسی ایفا می کند. با این توضیح که هستی شناسی فیلسوفانی چون سهروردی

از معرفت شناسی ایشان جدانیست بلکه این دو یکپارچه اند. فر، نیرویی است که انسان سالک با تحمل ریاضتها و سیر و سلوک عارفانه به سوی حق در لحظه ای خاص، مستحق دریافت آن می گردد و او را بیشتر از دیگران از فیض و انوار حقیقت یا همان نورالانوار برخوردار می سازد. هرچه معرفت (نور) در او بیشتر می شود، مقام وی در سلسله مراتب وجودی یا همان مراتب نور، استعلا می یابد، تا جاییکه حق و اختیار دخل و تصرف در مراتب مادی و معنوی جهان و امور ظاهری و باطنی را پیدا می کند (هرچند شرایط اعمال حاکمیت ظاهری را نیابد). این اوصاف بسیار شبیه به تعابیر مربوط به مفهوم شیعی ولایت است و آرائی از این دست، سهروردی را در گروهی قرار می دهد که به لحاظ فکری «شیعه» هستند و مفهوم فر نزد او با «عصمت»، در دیدگاه شیعی - با وجود اختلافهایی در اجزاء - هماهنگ است.

می توان ادعا کرد که فرجام تلخ زندگی کوتاه سهروردی، حاصل تعارض جدی دیدگاه او در برداشت از وحی و مفهوم حکومت و ولایت با قرائت رسمی از سلطه سیاسی در قالب نظریه سیاسی و عقیدتی «تغلب» است که اشاعره پرچمدار آن هستند.

همچنین لازم می بینم اشاره ای گذرابه فصل بندی رساله و چرایی اختصاص موضوعات در هر فصل داشته باشم:

در فصل اول؛ سیر تحول مفهوم فر در فرهنگ سیاسی ایران تا دوران سهروردی، به بیان این مسأله می پردازیم که فر در تاریخ، اندیشه و سرنوشت فرهنگی ایرانیان، چه جایگاهی داشته است و چگونه در طول گذشت زمان از ایران باستان تا ظهور اسلام و پس از آن تا زمانه سهروردی ایرانی حضور داشته است. در این بررسی بیشتر به شواهد تاریخی، متون دینی زرتشتی، اساطیر و تاندازه قابل توجهی «شاهنامه» فردوسی، توجه داریم.

فصل دوم؛ بیان خلاصه ای از آراء سهروردی، از آن جهت در رساله گنجانده شد که بدون گذری کوتاه بر کلیت نظام فلسفی سهروردی و نظرگاه او نسبت به حقیقت، هستی و مراتب آن و معرفت، نمی توان موضوعی را نزد وی مورد مذاقه قرار داد. از این رو بیشتر با توجه به کتاب «حکمه الاشراق» به بیان کلی مواردی پرداخته

شد که در درک مفهوم مورد نظر رساله (جایگاه فر) جوانب بیشتری را روشن نماید. بویژه تحلیل مختصری از این موضوع ضروری به نظر می رسد که؛ سهروردی از منظر «جاویدان خرد» دست به تأسیس فلسفه اشراق می زند و این ضرورت را در می یابد که از سنت فکری که متعلق به حکیمان «اهل بحث» (به زعم او: مشائون) درگذرد و «حکمت ذوقی» خود را بر مبنای معرفتی نورانی، بنیان نهد. همچنین به نسبت سهروردی با حکمت خسروانی، سیاست و عرفان پرداخته می شود که در جهت تقریب موضوع اصلی به ذهن، ضروری و مهم به نظر می رسد.

ناگفته نماند که شاید جای فصل ۲ در ابتدای رساله و ورود به بحث سهروردی مناسبتر به نظر برسد اما با عنایت به مفهوم مورد بررسی (فر) و ماهیت تاریخی آن - از دید نگارنده - شاید مدخلی بر سابقه و ریشه های این مفهوم در زمینه فرهنگی سهروردی و نقش آن در فرهنگ و اندیشه سیاسی ایرا تا زمانه وی اولویت داشته باشد.

در فصل سوم؛ چستی فر در تعبیر سهروردی، با عنایت به فراز هایی از آثار سهروردی به مفهوم فر نزد وی و تعریف وی از این مفهوم می پردازیم و تا اندازه ای مقایسه و انطباقی میان بیان او و آنچه در گفتار ایرانیان باستان (بیشتر متون زرتشتی) و تا اندازه ای شاهنامه، آمده است، خواهیم داشت. در بیشتر موارد بررسی آثار سهروردی، از مجموعه مصنفات شیخ اشراق، به تلاش هانری کربن، سید حسین نصر و نجفقلی حبیبی بهره گرفته شده است و در متون داستانی «قصه های شیخ اشراق» به کوشش جعفر مدرس صادقی، نیز از نظر دور نماند.

در فصل چهارم؛ نسبت مفهوم فر با دیدگاه شیعی - ایرانی، به تحلیل نهایی موضوع و بیان ارتباط مفهوم فر و چرایی بیان آن در آثار سهروردی به عنوان وظیفه ای معنوی برای این حکیم متأله پرداخته شده است و نیز ارتباط این مفهوم با «عمصت» - که نزد شیعیان از مشخصه های اصلی امام است و از شرایط جاری شدن ولایت ظاهری و باطنی امام بر هستی - مورد توجه و تحلیل قرار گرفته .

در باب منابع مورد استفاده و مطالعات انجام شده نیز ذکر چند نکته لازم است:

جهت شناخت و بررسی گفتار سهروردی تلاش شد تا حد امکان از منابع دسته اول (یعنی مجموعه مصنفات) استفاده شود. اما با عنایت به پژوهشهای صورت گرفته در توضیح و تبیین آثار سهروردی، به فراخور حال به بعضی متون دست دوم، با ذکر منبع، مراجعه شده است؛ به عنوان مثال برخی آثار و مقالات کرین که ترجمه آن به زبان فارسی موجود است. بعضی آثار دسته دوم نیز مورد مطالعه قرار گرفتند که تا حدودی در الهام یافتن و برگرفتن زاویه دید دقیق تر نسبت به آثار واحوال فیلسوف از نظر کلی مؤثر بود. در منابع و کتاب شناسی ضمیمه رساله به بیشتر این آثار اشاره شده است.

در فصل اول و تا حدودی چهارم، که به پیشینه بحث در فرهنگ ایرانی پرداخته شده، به جز اوستا و بعضی متون دینی و اساطیری (همچون بندهش) و شاهنامه به مراجع و پژوهشهای موجود رجوع شده است. به عنوان مثال در بررسی دیدگاه فارابی و معرفی او به عنوان فیلسوف مؤسسی که دغدغه وحی دارد به کتاب «زندگی و اندیشه حکیم ابو نصر فارابی» تألیف دکتر نصرالله حکمت، مراجعه شد و در بررسی دیدگاه های سیاسی و تقابل دیدگاه رسمی خلافت و متفکران شیعی- ایرانی به «زوال اندیشه سیاسی در ایران» از دکتر سید جواد طباطبایی. آشکار است که پژوهشگران مختلف از نظرگاه خود، که الزاماً بر دیدگاه نگارنده انطباق کامل ندارد، به مسائل نگریسته اند اما در فرصت محدود تدوین رساله، چاره ای جز روش مذکور نبود.

در پایان به سخن آغازین مقدمه باز می گردم و بیان می دارم که مراد نگارنده از تدوین رساله ای در این موضوع، به سهم خود و در خور بضاعت، برداشتن گامی هرچند کوچک و ناچیز در راه احیای وجوهی پنهان مانده از سنتی فکری است که قابلیت های جدی برای ایجاد پرسشها و در انداختن طرح های نو در اندیشه ها دارد. هر چند راهی که در آن قدم نهاده شده است در بسیاری مواقع «راه نرفته» است که باید به ذوق و قدم مشتاقان «جاویدان خرد» کوفته و هموار گردد. از این رو بی شک اشکالات و نارسایی های چنین رساله ای ممکن است بیش از قوت آن باشد. لذا حسن توجه اهل نظر و خرده گیری های به حق پژوهندگان عرصه دانش و حکمت،

نگارنده را در طی راهی که در پیش گرفته ، و اگر بخت و همت یار شود قصد ادامه آن را پس از این رساله نیز دارد ، ثابت قدم می سازد.

## فصل ۱:

سیر تحول مفهوم فرد در فرهنگ سیاسی ایران تا دوران سهروردی

از آنجا که مفهوم مورد بررسی ما - فره ایزدی - صبغه اساطیری دارد، در باور جمعی و آگاهی تاریخی ایرانیان نشسته است. از اینرو برای شناخت دقیق تر و بررسی آن نزد هر اندیشمندی گریزی از بررسی پیشینه تاریخی نیست. ماهیت باورهای اسطوره ای چنان است که در فراز و فرودهای تاریخی تغییر شکل و حتی ماهیت می دهند اما از صحنه حیات فرهنگی مردمان کنار نمی روند. گاه صورت خود را از دست می دهند و در ظاهری تازه خود را در ادبیات، فرهنگ، هنر و روابط انسانی نمایان می سازند و گاه شکل و صورت خود را حفظ نموده اما تا حدی دچار تحول در معنا و یا برداشت باور مندان به این مفاهیم می گردند.

مفهوم فر - بویژه از منظر اندیشه سیاسی که بیشتر موضوع پژوهش ماست - اگر چه در گذر زمان و تحولات تاریخی دچار تطور گشته، اما همواره و در هر قالبی که فرورفته است - سلباً و ایجاباً - نقش اساسی در مناسبات و ساختار قدرت بازی نموده و از جهان بینی انسان ایرانی غایب نگشته است و نباید از این نکته غافل بود که قدرت سیاسی و معنویت (دیانت) در هیچ دوره ای از تاریخ ایران از هم جدا نشده اند و همواره با تغییر مذهب آیین و اسطوره ها شاید از شکلی به شکل دیگر بدل شده باشد، اما در بطن فرهنگ ایرانی ((پادشاهی آرمانی)) یا ((حکومت صالحان)) بمثابة هسته مرکزی اندیشه سیاسی در ایران حفظ شده است. هر چند به دقت نمی توان معلوم نمود از چه زمانی این مفهوم وارد اندیشه و فرهنگ ایرانی شده باشد.

پیش از ارائه هر گونه تعریف و تحلیل کلی از مفهوم فر در فرهنگ ایرانی بررسی جایگاه و سیرتاریخی آن تا دوران اندیشمند مورد نظر ضروری به نظر می آید که به حد وسع بدان می پردازیم.



## فردر فرهنگ، اساطیر و آیینهای ایرانی پیش از اسلام:

دروازه شمالی کاخ پاسارگاد، مزین به نقش برجسته ای مشهور به «مرد بالدار»<sup>۱</sup> است که به عقیده عده ای از باستان شناسان نماد فر ایزدی است و گروهی آن را تصویر کورش هخامنشی می دانند. تصویری که مشابه آن در دیگر نقوش و طرح سکه های دوره مزبور دیده می شود؛ نگاره هایی همراه با تصاویر شاهان که نمادهای فر همچون شاهین، قوچ، هاله نورو آتش در آنها پیداست. در بعضی سنگ نگاره ها (بیشتر مربوط به دوران ساسانی دیده می شود که در هنگام تاج گذاری اهورا مزدا، حلقه ای به شاه می دهد که نماد همان فر ایزدی و پادشاهی است.<sup>۲</sup>

حضور این نمادها در آثار آن دوران نشان از اهمیت موضوع دارد. گویا تاکید و تعمد در نشان دادن دریافت و نگهداری فر از عالم بالا به شکل های مورد اشاره، ضامن مشروعیت شاه بوده است.

نماد اصلی فره در اکثر موارد نور یا آتش است. به عنوان مثال در اوستا، ارداویراف نامه و زاداسپرم همه جا فره با آتش و روشنی همراه است.<sup>۳</sup>

سابقه دارندگی نیروی فر به اساطیر شاهان سلسله پیشدادی باز می گردد. واژه «پیشداد» معادل پهلوی «پرداته» است که احتمال دارد به معنای «نخستین آفریده» باشد و البته به تعبیر کریستین سن، در سیر تاریخی خود باتهی شدن معنای فعل «دادن» از مفهوم آفرینش، به کسی که پیشتر از همه قانون بنا نهاد تعبیر شد.<sup>۳</sup> شاهان پیشدادی

نخستین حکمرانان و دارندگان موهبت فره اند و نخستین آفریدگان هستند که همزمان با خلقتشان از این موهبت بهره یافته اند و با رعایت عدالت و پاکی، مسئول حفظ و پاسداری از آنند.

نخستین پادشاه اساطیری دارنده فر، «فرواگ» پسر سیامک است و سیامک پسر مشی فرزند کیومرث - نخستین انسان در اساطیر ایرانی و معادل آدم ابوالبشر- می باشد.<sup>۵</sup> تا پیش از هوشنگ پیشدادی - فرزند فرواگ- صفت شاهی صرفاً جنبه ای نمادین دارد چراکه انسان چندانی برای حکمرانی بر او وجود ندارد.<sup>۶</sup> فره ای که از فرواگ به هوشنگ می رسد به او توان فرمانروایی چهل ساله بر هفت اقلیم و چیرگی بر دیسوان را می دهد.<sup>۷</sup>

همچنین در متون اساطیری بسیاری از پیشرفتهای انسانی و تمدنی به هوشنگ نسبت داده می شود مانند زراعت، کتابت و...

پس از هوشنگ، دوران ((تهمورث)) - یا به تعبیر زامیادیشتمورث زیناوند - فرامی رسد که اونیز نیروی فر را حفظ نمود و به مدد آن «به مردمان و دیوان و جادوان و پریان... دست یافت»<sup>۸</sup>

اما مهمترین پادشاه پیشدادی دارای این نیرو که ماجرای او در شناخت مفهوم فر اهمیت شایانی دارد، «جم» یا «جمشید» است. جمشید پس از دریافت فر و پادشاهی، بر زمین تسلط می یابد و دیوان و دشمنان را بر می افکند و سپس نعمت، آبادی، آرامش و پیشرفت را به مدد این نیرو برای مردمان به ارمغان می آورد.<sup>۹</sup>

...در هنگام پادشاهی او نه سرما بود و نه گرما و نه مرگ

و نه رشک دیو آفریده ... پیش از آنکه دروغ گوید و دهان

به سخن نادرست بیالید ...

آنگاه ... فر آشکارا به پیکر مرغی از وی به بیرون شتافت

.... سرگشته شد و در برابر دشمنی [دیوان] فرو ماند و در زمین

نهان گردید.<sup>۱۰</sup>

در دوران شهریاری جمشید و تازمانی که او نیروی خود را در جهت عدالت و آسایش دیگران به کار میگیرد در پناه فره ایزدی اثری از سرما و گرما، درد و رشک، پیری و مرگ نیست و تا هست فراوانی نعمت و آرامش است و چون زمین از جانداران پرمی شود اهورا مزدا سه بار به خواست جمشید آن را فراخترمی سازد اینگونه حکومت او دارای رنگ و بوی خدایی و دینی هم می گردد.

منم گفت با فره ایزدی                      هم ام شهریاری و هم موبدی<sup>۱۱</sup>

جالب توجه است که جم تنها پادشاهی است که نام او در **گناهان** - کهن ترین بخش اوستا آمده است

در هنگام شهریاری ((جم)) دلیر، نه سرما بود و نه گرما، نه پیری بود و نه مرگ و نه رشک دیو آفریده. پدران و فرزندان همه پانزده ساله می نمودند.<sup>۱۲</sup>

دوران حکومت جم از ششصد تا هزار سال بر اساس منابع مختلف ذکر شده است تا جایی که او دهان به

دروغ آلوده ساخت، دروغی که ناشی از غرور بود و به اعتقاد بیشتر پژوهشگران برای خود مقام خدایی قائل

گشت و در نتیجه آن فره از او جدا شد. البته در بعضی روایات - بویژه در منابع هندی - گناه او خوردن گوشت

چهارپایان نقل می شود.<sup>۱۳</sup>

به نقل از زامیاددشت، فر در سه مرحله از جمشید می گریزد و هر بار به شکل شاهینی. نخستین، همان فر موبدی است که ایزد مهر آن را دریافت می کند. دوم فر شاهی است که «فریدون» آن را برمی گیرد و سومین فر پهلوانی که به «گرشاسپ» می رسد.<sup>۱۴</sup> این نشان می دهد پس از پیشدادیان سه جنبه موبدی، پادشاهی و پهلوانی فر به نحو کامل در یک شخص جمع نشد و این سه در عین ارتباط تنگاتنگ، درهم تنیدگی و منشاء مشترک، در عمل و تحقق خارجی از هم تفکیک می شوند و این تفکیک در تمام روایات اسطوره ای - بویژه در شاهنامه - و تاریخ باستان قابل مشاهده است.

نکته دیگر ویژگی «به دست آوردنی بودن» فر است و اینکه با گناه، غرور و بی عدالتی فر از صاحب آن می گریزد که در بحثهای آینده این پژوهش اهمیت آن را خواهیم دید و به فراخور اهمیت بسیار آن در شناخت موضوع مورد بحث به نحو تفصیلی تر بدان خواهیم پرداخت.

به هر حال با سقوط اخلاقی جمشید همه ثمرات دوران او از میان می رود و زمینه ظهور ((آژدهاک)) یا «ضحاک» فراهم می شود که نماد شر و بد اندیشی است و دوران او به تعبیر فردوسی دوران خرد سوزی و خوارگشتن فضائل انسانی است.